



میرباقری میگوید نسبت تخیل و واقعیت در مختارنامه ۷۰ به ۳۰ است؛ ۷۰ درصد تخیل و ۳۰ درصد تاریخ. به طور مثال در تاریخ گفته شده که مختار سه زن دارد. این که این زن ها چطور وارد زندگی مختار شده اند و نوع مناسباتشان چگونه بوده، کاملاً مجهول است. میرباقری بر مبنای تعریفی که کلیت تاریخ می دهد، این فاصله ها را پر می کند

فابریک

ویژه نامه و رادیو و تلویزیون روزنامه جام جم
شنبه ۲۳ شهریور ۹۸ = شماره ۶۸۱

۵
پرسی

داوود میرباقری در «مختارنامه» چگونه تاریخ را به درام تبدیل کرده است؟

مختار تاریخ، مختارنامه میرباقری

علی سیف الهی
روزنامه نگار

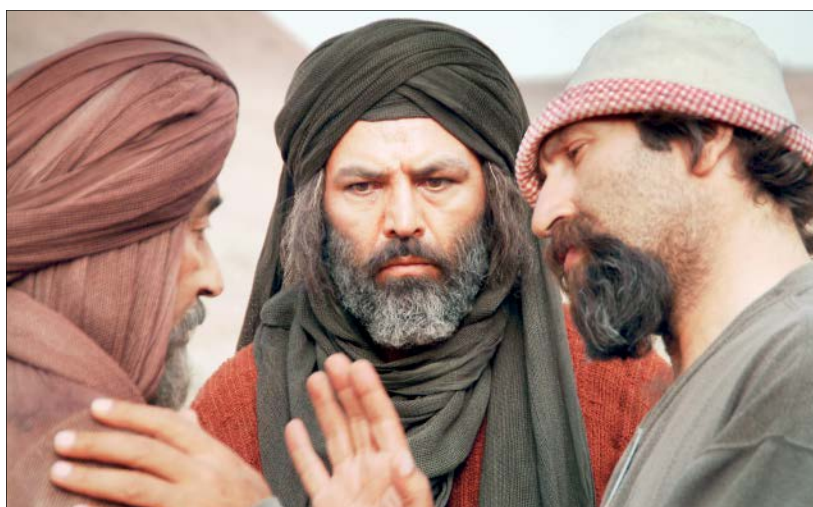
اوایل دهه ۸۰ داوود میرباقری فیلمنامه سریال سلمان فارسی را نوشته و منتظر بود تولید آن را کلید بزند. همان روزها از «سیمافیلم» با او تماس می گیرند و درباره سوژه «نهضت توابعین» با او مشورت می کنند. دو سه روز بعد دوباره با او تماس می گیرند و می پرسند «چرا خودت قبول نمی کنی؟» میرباقری می گوید درگیر پروژه سلمان است، اما پاسخ می شنود که علی لاریجانی، رئیس وقت صدا و سیما، به خاطر تجربه سریال «امام علی (ع)» و برخی حاشیه هایش هنوز تردید دارد و یکی از تردیدها محورهای عاشقانه کار است. می گویند لاریجانی ساخت طرح سلمان را مشروط کرده و گفته میرباقری اول طرح نهضت توابعین را بسازد و بعد سلمان را. وقتی میرباقری می پرسد «چه تفاوتی می کند من اول این را بسازم؟» - به شوخی و جدی - پاسخ می دهند: «این سوژه توری است که میرباقری دیگر نمی تواند سلیقه های شخصی خودش را در حوزه درام اعمال کند!» میرباقری زمان می گیرد، تحقیق و پژوهش می کند، طرح قبلی و قهرمان اصلی را تغییر می دهد و «مختارنامه» را می سازد. سلیقه و ذهنیت و اصول میرباقری اما تغییر نمی کند. او مثل همیشه تاریخ را با نگاه خودش به درام تبدیل می کند. با قواعدی اصولی و پر ذوق و ظرافتی که مختارنامه را تماشایی و ماندگار می کند.

از سلیمان به مختار

نقطه آغاز پروژه «الف» و ویژه میرباقری، طرح کلی و پیشنهادی تلویزیون درباره نهضت توابعین بوده است. طرحی که میرباقری می گوید کل آن را نخوانده تا خودش را محدود نکند و بتواند به راحتی تخیل کند و قصه خودش را طراحی کند. طرح نهضت توابعین روی قیام سلیمان صد خزاعی متمرکز بوده؛ ماجرای که بخشی از آن را در مختارنامه دیده ایم. میرباقری مختار را ترجیح می دهد چون قصه دراماتیک تری دارد و شخصیت جوان تری است و مثل سلیمان صد خزاعی دست او را برای کار بیشتر روی شخصیت اصلی نمی بندد. نوع نگاه مختار به مسأله سیاست، دین و مجاهدت برای میرباقری جذاب تر است. سلیمان به عنوان رهبر نهضت توابعین سن و سال بالایی دارد و همیشه از اتفاقات اصلی روزگار عقب تر است. مختار همیشه از او پیش بوده و قهرمانی است که به قصه قدرت حرکت می دهد. این انتخاب و تغییر قهرمان اولین تصمیم میرباقری برای روایت تاریخ این قیام است.

تاریخ و اصول دراماتیک

میرباقری می گوید نسبت تخیل و واقعیت در مختارنامه ۷۰ به ۳۰ است؛ ۷۰ درصد تخیل و ۳۰ درصد تاریخ. به طور مثال در تاریخ گفته شده که مختار سه زن دارد. این که این زن ها چطور وارد زندگی مختار شده اند و نوع مناسباتشان چگونه بوده، کاملاً مجهول است. میرباقری بر مبنای تعریفی که کلیت تاریخ می دهد، این فاصله ها را پر می کند. او در مختارنامه فقط یکی دو بار چشمش را روی تاریخ بسته؛ یکی درباره مرگ شبت و دیگری مرگ پسر عمر سعد. میرباقری می گوید اگر بخواهید همه زندگی مختار را بر اساس بینات قطعی تاریخی سر هم کنید، شاید بتوانید از آن يك فیلم صد دقیقه ای بسازید، نه يك سریال ۴۰ قسمتی. پس او چاره ای نداشته جز این که تخیل کند. او باید تاریخ را قابل باور کند. اگر مجموعه زندگی مختار را بخواهیم سرجمع پشت سر هم قرار بدهیم، شاید در نهایت صد صفحه مطلب داشته باشیم. در صورتی که میرباقری برای نوشتن مختارنامه به هزار صفحه مطلب نیاز داشته. در نتیجه ۹۰۰ صفحه را باید تخیل می کرده. متر میرباقری همیشه قواعد شکل گیری يك قصه دراماتیک است. برای او مهم نیست قصه تاریخی است یا غیرتاریخی. اولویت با این است که کنش و کشمکش و تعریف شخصیت و قدرت حرکت آن به لحاظ دراماتیک چگونه باشد. اصول او همان اصول دراماتیک است؛ روایت يك قصه



در مسیری پرجاذبه، پرکشش و چالش برانگیز. اگر سند تاریخی با این اصول سازگار باشد، تطبیق می دهد و اگر موضوعی تاریخی این امکان را ندهد که قصه را بر مبنای معیارهای يك نمایش خوب روایت کند، آن را رها می کند. میرباقری خودش را محقق تاریخ نمی داند و می خواهد تاریخ را دراماتیزه کند. سؤال اساسی و همیشگی او ساده است؛ تا شما احساس يك آدم را نشاناسید چگونه می توانید با او زندگی کنید و به او قدرت حرکت بدهید؟

قانون فیلمنامه نویسی داوود میرباقری سهل و ممتنع است؛ «يك قصه را خوب تعریف کنیم». قانونی که در يك فیلمنامه تاریخی مانند مختارنامه چالش های جدی و متعددی ایجاد می کند. اکتفا به مکتوبات و وقایع تاریخی مشکلات زیادی به وجود می آورد، چون تاریخ فقط نقطه اوج حوادث و نکاتی را ثبت می کند که در مسیر يك حرکت تاریخی نقطه عطف محسوب می شود و به جزئیات کاری ندارد. چفت و بست عملکرد آدم ها مشخص نیست. اصول فیلمنامه نویسی می گوید تصویر شخصیت ها باید روشن و شفاف باشد، خلقیات آن را بشناسید، بدانید چه چیزهایی را دوست دارد و چه چیزهایی را دوست ندارد، فیزیکنش

آگهی فقدان مدرک تحصیلی

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب اکرم روحانی فرزند قاسم به شماره شناسنامه ۱۱۰۸۰ صادره از کاشمر در مقطع کارشناسی ارشد رشته حسابداری صادره از واحد دانشگاهی تهران مرکزی با شماره ۱۳۰۱۱۰۰ و تاریخ ۱۳۹۵/۰۶/۲۰ مفقود گردیده است، از یابنده تقاضا می گردد اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی به نشانی: تهران- خیابان آزادی- خیابان اسکندری شمالی- خیابان فرصت شیرازی- پلاک ۱۳۶- صندوق پستی ۱۳۱۸۵/۷۶۸ ارسال نماید.

آگهی مفقودی

سند کمیته ای خودرو پژو پارس به رنگ سفید روغنی، مدل ۱۳۸۸، به شماره پلاک ۱۵۳ ۳۲۲ ایران ۶۷، به شماره شاسی NAAN7MCVABE2۰۲۷۷، شماره موتور ۱۹۵۰۱۴۸۸۲۹۰ به نام علیرضا عابدی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.



کرد، برای تاثیرگذاری بیشتر، شخصیت ها را باید خاکستری دید. این يك دستاورد مهم است که فکر نکنیم قاتل امام حسین (ع) هیولا بوده او يك آدمی مثل ما بوده که لغزش و محاسبه اشتباه بزرگی کرده و به این وضع افتاده است. در هر صورت مختار اولین کسی بود که توانست حکومت شیعه را بر مبنای سیاست و زرنگی راه بیندازد و ایرانی ها را هم با خود همراه کند. فرهنگ ایرانی شیعی اولین بار در دوره او ایجاد شد. این که برخی منتقدان بر این باورند در مختارنامه مخاطبی که از تاریخ مطلع نیست گول خورده است رانمی توانم بپذیرم.

آگهی مفقودی

بدینوسیله اعلام می شود پروانه بهره برداری شماره ۶۳۳۴۵ مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۰۹ به نام سروش مهر ارشیا جهت تولید ۱- انواع شیر پاستوریزه ۲- انواع خامه پاستوریزه ۳- انواع خامه قنادی ۴- انواع بستنی بر پایه شیر ۵- انواع بستنی یخی ۶- مینارین، صادره از سازمان صنعت، معدن و تجارت استان تهران، شهرستان پاکدشت مفقود گردیده است و از درجه اعتبار ساقط می باشد.